





در آن دوران، به‌ویژه در آثار طنز تلویزیونی، زنان بیشتر در حاشیه بودند. این مسئله کم‌وبیش همچنان در تلویزیون دیده می‌شود.

○ تجربه همکاری با مهران مدیری در هدایت بازیگران و شیوه کارگردانی او چه تأثیری بر مسیر بازیگری شما گذاشت؟

دو سال پیاپی در دو مجموعه با مهران مدیری همکاری کردم. آن زمان ۱۹ سال داشتم و تجربه زیادی کسب نکرده بودم؛ بنابراین چندان به سبک کاری و شیوه هدایت بازیگران از سوی کارگردان توجه نمی‌کردم. با این حال، به نظرم شیوه کاری مدیری در زمینه بازیگری خوب و درست بود و از این همکاری تجربه‌های ارزشمندی به دست آوردم.

○ چه اتفاقی باعث شد همکاری شما با مهران مدیری ادامه پیدا نکند؟ آیا محدودیت‌های کاری پس از «ساعت خوش» در این فاصله تأثیرگذار بود؟

بعد از «ساعت خوش»، تمام پیشنهادهای بازیگری‌ام در حوزه کمدی و طنز بود. در آن دوران، مانند بسیاری از بازیگران این مجموعه، با نوعی ممنوع‌الکاری اعلام‌نشده به مدت دو سال و نیم مواجه شدم. این اتفاق ضربه بدی به همه بازیگران «ساعت خوش» زد و باعث شد نتوانم در بسیاری از پیشنهادهای بازیگری حضور پیدا کنم.

○ این محدودیت کاری فقط تلویزیون را شامل می‌شد یا فعالیت شما در سینما و تئاتر را هم تحت تأثیر قرار داد؟

سال ۱۳۷۴ در فیلم «اشک و لبخند» به کارگردانی شاپور قریب بازی کردم و ممنوع‌الکاری ما تا سال ۱۳۷۶ ادامه داشت. در این مدت فقط در دو نمایش تئاتر حضور پیدا کردم.

این ممنوع‌الکاری، برخلاف امروز که گاهی برای یک بازیگر افتخار محسوب می‌شود، آن زمان فشار مضاعفی به ما وارد می‌کرد. فضایی در جامعه شکل گرفته بود که انگار مرتکب گناه بزرگی شده‌ایم و باید تاوان آن را بدهیم. تلویزیون در آن سال‌ها سیاست‌های خاصی در قبال سریال‌های محبوب در پیش می‌گرفت.

○ به نظر می‌رسید محدودیت‌ها با هدف کنترل میزان شهرت و محبوبیت کارگردانان و بازیگران اعمال می‌شد. این برخورد چه تأثیری بر اعضای گروه گذاشت؟

بله، همه بچه‌های گروه افرادی متعهد، باانرژی و باانگیزه بودند و این اتفاق موقعیت تلخی برایشان رقم زد.

○ با وجود این محدودیت‌ها، آیا برای اعتراض یا پیگیری ممنوع‌الکاری خود اقدامی نکردید؟

در آن دوران، برخورد مسئولان فرهنگی دوستانه نبود و ما نه جرئت و نه انگیزه‌ای داشتیم که برای اعتراض به جایی مراجعه کنیم. اغلب برخوردها نامحترمانه بود. این وضعیت برای بازیگران مرد گروه که تشکیل خانواده داده بودند و انتظار موفقیت و محبوبیت بیشتری داشتند، فشار مضاعفی ایجاد می‌کرد. به همین دلیل، برخی از آن‌ها دچار افسردگی شدند.

○ در آن شرایط که با محدودیت کاری روبه‌رو شده بودید، خانواده چه واکنشی به وضعیت شما نشان دادند؟ آیا از انتخابتان برای ادامه بازیگری حمایت می‌کردند؟

همان‌طور که اشاره کردم، خانواده‌ام چندان با فعالیت بازیگری من موافق نبودند و تلاش می‌کردند مرا به مسیری که خودشان ترجیح می‌دادند، بازگردانند. من فرزند کوچک خانواده بودم و خواهر و برادرهایم در آن زمان همگی مشغول تحصیلات عالیه بودند. طبیعی بود که در چنین شرایطی، حمایت چندانی از انتخاب من نداشته باشند.

○ با توجه به همکاری‌تان با رضا عطاران و سعید آقاخانی در «ساعت خوش»، چرا در سال‌های بعد همکاری‌تان با این دو کارگردان ادامه پیدا نکرد؟

همه این دوستان برای من عزیز هستند و هیچ‌وقت انتظار نداشتم حتماً برای آثارشان از من دعوت کنند؛ هرچند اگر چنین دعوتی می‌شد، خوشحال می‌شدم. به هر حال، هر کارگردانی برای نقش‌هایش گزینه‌هایی در ذهن دارد.

بعد از «ساعت خوش»، تمام پیشنهادهای بازی در آثار طنز را رد می‌کردم. از آنجا که در فاصله نیمه نخست دهه ۱۳۷۰ تا آغاز دهه ۱۳۸۰ کار طنزی از من دیده نشد، دوستان تصور کردند دیگر در این حوزه فعالیت نمی‌کنم و به همین دلیل پیشنهادهای کمتری دریافت کردم. ضمن اینکه جنس بازی من هم به سمت ایفای نقش یک کمدین نمی‌رفت و بیشتر بر ایجاد موقعیت‌های طنز متمرکز بود.

○ پول و شهرت بیشتر برایتان اهمیت نداشت؟

قراردادهای مالی بازیگران در آن دوران با امروز تفاوت داشت و دستمزدها چندان چشمگیر نبود.

○ بازی در نقش سارا در مجموعه «زیر آسمان شهر» را می‌توان نقطه عطفی در کارنامه بازیگری شما دانست. چطور به این مجموعه پیوستید؟

مهران غفوریان را از زمان مجموعه «جنگ ۳۹» می‌شناختم و در تمرین‌های آن هم شرکت می‌کردم، اما به دلیل بازی در فیلم «روز شیطان» به کارگردانی افخمی، نتوانستم در فیلم‌برداری «جنگ ۳۹» حضور داشته باشم. مدتی بعد، در اکران فیلمی، رادش و همسرش را دیدم. پس از احوال‌پرسی، رادش گفت قرار است با غفوریان همکاری کند و از من پرسید آیا همچنان در کارهای طنز بازی نمی‌کنم؟ مدتی بود بازی نکرده بودم و علاقه داشتم دوباره به چرخه کار برگردم. گفتم مشکلی با کار طنز ندارم. رادش هم گفت برای نقش همسر غفوریان در مجموعه «زیر آسمان شهر» دنبال بازیگر هستند. قرار شد در صورت موافقت غفوریان، نقش سارا را بازی کنم و به این ترتیب وارد این مجموعه شدم.

○ چه میزان از ویژگی‌های شخصیتی خودتان به‌تدریج وارد شخصیت سارا شد؟

متن را رضا عطاران نوشته بود و شخصیت سارا را بدون اینکه من را برای این نقش در نظر داشته باشد، طراحی کرده بود. پس از حضورم در سریال، به‌تدریج و ناخودآگاه برخی از ویژگی‌های شخصیتی من هم در سارا دیده شد. اواسط کار به عطاران گفتم سارا در قصه بسیار آرام و کم‌حرف است و دیالوگ‌های کمی دارد. او پاسخ داد که سارا را با همین ویژگی‌های رفتاری طراحی کرده است.

○ شاید سارا الگویی از زنان طبقه متوسط ایرانی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بود؛ زنانی آرام و کم‌حرف که کمتر در مرکز اتفاقات قرار می‌گرفتند.

درست است. البته مسئله دیگری هم وجود داشت؛ با توجه به شرایط تلویزیون در آن زمان، زنان نباید درگیر موقعیت‌های طنزآمیز سریال‌ها می‌شدند و بخش عمده بار طنز بر عهده شخصیت‌های مرد بود.

○ پس از دیده شدن در «زیر آسمان شهر» و شناخته‌شدن بیشتر چهره‌تان، آزادی عمل گذشته را در رفت‌وآمدهای اجتماعی از دست دادید؟

تجربه شهرت و شناخته‌شدن گسترده را پیش‌تر با مجموعه «ساعت خوش» داشتم. نخستین بار که مردم در مواجهه با من واکنش نشان دادند، هنگام حضورم در جشنواره فیلم فجر و در ارتباط با فیلم «جاده عشق» و سینمای مطبوعات بود. شب قبل از آن، بازی من در مجموعه «پرواز ۵۷» از تلویزیون پخش شده بود و مردم در خیابان با دیدنم مرا به یکدیگر نشان می‌دادند.

○ این میزان از شهرت برایتان لذت‌بخش بود یا به‌مرور محدودیت‌های آن بیشتر شد؟

هر اتفاقی در زندگی، بخش خوشایند و بخش کلاف‌کننده دارد. اوایل، شهرت برایم بسیار جذاب بود، اما به‌مرور محدودیت‌هایی برایم به وجود آورد.

○ تئاتر در کارنامه بازیگری شما همواره جایگاه پررنگی داشته است. چه جایگاهی در مسیر حرفه‌ای شما دارد و چه تأثیری بر بازیگری‌تان گذاشته است؟

از همان ابتدای فعالیت در بازیگری، تئاتر برایم اهمیت زیادی داشت. بخش عمده آموخته‌هایم را مدیون تئاتر هستم و هیچ‌وقت خودم را از یادگیری نکات تازه بی‌نیاز ندانسته‌ام. در طول دوران کاری‌ام نیز فاصله زیادی از تئاتر نگرفتم و همواره در اجراهایی حضور داشتم.

البته در ابتدای دهه ۹۰، به دلیل درگذشت مادرم و سفر، حدود سه سال بازی نداشتم. پس از آن، تمایل بیشتری به فعالیت در تئاتر پیدا کردم.

بازیگری در تئاتر طی سال‌های اخیر با دهه ۷۰ تفاوت زیادی کرده است. آن زمان برای اجرای یک نمایش، دست‌کم پنج تا شش ماه تمرین می‌کردیم و گاهی نمایش حتی فرصت اجرای عمومی پیدا نمی‌کرد. همه ما به بازی در تئاتر متعهد بودیم و در این مدت هیچ پیشنهاد کاری دیگری را نمی‌پذیرفتیم.

○ در نمایش‌هایی که بازی کرده‌اید، از زن خارجی در «خانه پاکیزه» تا زن ایرانی خاموش و مظلوم در «و چند داستان دیگر» و نقش مادر در «تو مشغول مردنت بودی»، تنوع چشمگیری در انتخاب نقش‌ها دیده می‌شود. چقدر این تنوع حاصل انتخاب آگاهانه شماست؟

برایم مهم است نقش‌های تکراری و مشابه بازی نکنم. معتقدم بازیگر باید مسیری رو به رشد و تعالی داشته باشد. این روند برای من پختگی به همراه داشته است؛ وقتی خودم را با بیست سال قبل مقایسه می‌کنم، تفاوت زیادی در بازیگری‌ام می‌بینم.

در سال‌های گذشته پیشنهادهای متعددی برای بازی در تئاتر داشتم، اما اولویتم کیفیت اثر، ویژگی‌های نقش و این بود که آیا پیش‌تر نقش مشابهی بازی کرده‌ام یا نه. دوست دارم با ایفای هر نقش، وارد چالش تازه‌ای شوم. نقش‌هایی هم که در این سال‌ها بازی کرده‌ام، شباهت چندانی به یکدیگر نداشته‌اند. بازی در نقش کمدی نمایش «دولت ضعیفه» هم برایم جذاب بود.

○ فضای متفاوت نمایش «تو مشغول مردنت بودی» و ویژگی‌های خاص شخصیت آن، چقدر در پذیرش این نقش تأثیر داشت؟

زمانی که کارگردان نمایش پیشنهاد بازی را مطرح کرد، مشغله‌های زیادی داشتم و مطمئن نبودم از نظر زمانی بتوانم در این اثر حضور پیدا کنم. اما پس از خواندن متن، با آن ارتباط برقرار کردم. نقش و فضای نمایش برایم جذاب بود؛ ضمن اینکه پیش از این در تئاتر، نقش زنی با آشفتگی‌های روحی و روانی را تجربه نکرده بودم.

○ نقش‌هایی با اوج‌وفرودهای عاطفی و پیچیدگی‌های روانی معمولاً برای بازیگران جذابیت زیادی دارند. شما هم چنین نقش‌هایی را ترجیح می‌دهید؟

چندان به تفکیک نقش‌ها اعتقاد ندارم و دوست دارم هر نقشی را که پیش‌تر تجربه نکرده‌ام، بازی کنم. برای مثال، نمایش «دولت ضعیفه» را به این دلیل پذیرفتم که تا آن زمان در تئاتر نقش کمدی بازی نکرده بودم. «خانه پاکیزه» را هم به خاطر فضای فانتزی‌اش انتخاب کردم.

نقش مادر در نمایش «تو مشغول مردنت بودی» نیز برایم اهمیت ویژه‌ای داشت. می‌خواستم ببینم آیا می‌توانم چنین شخصیت چندوجهی را بازی کنم و تمام تلاشم را برای آن به کار گرفتم. این مادر نتوانسته با مرگ دخترش کنار بیاید و پس از چند سال، با وقوع حادثه‌ای دوباره با آن فقدان روبه‌رو می‌شود و از نظر روحی به هم می‌ریزد.

برای وقتی که در اختیار ما گذاشتید و همراهی‌تان در این گفت‌وگو سپاسگزاریم. برایتان در ادامه مسیر هنری، آرزوی موفقیت و تجربه‌های درخشان داریم.







